چکیده:

تربیت یک فرایند مستمر و پیوسته بوده که هد ف نهایی آن کمال وسعادت انسان است و این کمال درمکتب ما همان قرب الهی است. و اهمیت آن به این خاطراست که کودک مانند مومی دردست ماست و ما هم می توانیم با تربیت درست اورا به انسانی تبدیل کنیم که خلیفه الله روی زمین باشد وهم به موجودی پست تر از حیوان تبدیل شود ، تربیت انواع مختلفی داشته وعوامل زیادی درآن نقش دارند ومتناسب با توانایی های فرد مقابل مراحل مختلفی دارد که دراین مقاله هر کدام از آن ها ذکر شده اند.

برای تربیت درست کودک در عصر کنونی باید موارد زیر را رعایت کنیم:

1- با ویژگی های کودکان دردوران رشد آشنایی لازم را داشته باشیم و آموزش های ما و تمام نهادهای متولی امور تربیت متناسب با سن کودکان باشد.

2- درمواردی که پی بردیم توانایی های کودک بیشتر یا کمتر ازهمسالان اوست ،با توجه به ویژگی ها و توانایی های کودک به او آموزش دهیم.

3- خیرخواه کودک باشیم و او را آن طور که درست است تربیت کنیم، هیچ موقع اعمال وگفتار ما متناقض نباشند(اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم)

4- از کودک مراقبت کنیم نه این که برای او محدودیت ایجاد کرده و مانع رشد خلاقیت دراو گردیم.

5- اسم خوب برای کودک خود انتخاب کنیم زیادندکودکانی که از بردن اسم خودخجالت می کشند. فراموش نکنیم هفت سال ابتدای زندگی دوره ی سیادت و آقایی است.

6- با توجه به شناختی که از کودک داریم در هفت سال دوم زندگی او راهنمایی و یاری کنیم و در هفت سال سوم درانجام کارها از او مشورت بخواهیم.

7- سعی کنیم آموزش های مورد نظر خود را بصورت عملی و به شکل غیرمستقیم انجام دهیم، موارد تربیتی دو نهاد مهم خانه ومدرسه را هم سو ، هماهنگ و مکمل یکدیگرانجام دهیم و بدانیم که برای تربیت مناسب ورشد ذهنی و عاطفی کودک ،پاداش و تنبیه لازم است اما زمان،مقدار و نحوه ی تنبیه مهم است . خود کودک را سرزنش وتنبیه نکنیم بلکه عمل نامناسب او را سرزنش کنیم و عمل مخالف آن عمل را که کاری شایسته است ، تقویت کنیم

.8- بدترین نوع تنبیه ،تنبیه بدنی است چون که مسئولیت را از دوش کودک برمی دارد. 9- مسئولیت پذیر باشیم،به عهد خود وفا کنیم و عذرخواهی کودک راپذیرفته و به او ارزش و شخصیت قائل شویم.

11- گفتار نیکو داشته باشیم ،در رفع نیازهای کودک (نیازهای فرهنگی ،اقتصادی ،امنیتی ،عاطفی ،اجتماعی و...) بکوشیم.

12- تغیرات مناسب با کودکان دربرنامه های رسانه ها ، بخصوص در رسانه های جمعی ایجاد کنیم.

**مقدمه**

در دنیایی که همه ی مردم از تاثیر بد و مخرب انواع رسانه ها ، دوستان ، همسالان و در یک کلام اجتماع بر کودکان و نوجوانان خود شکایت می کنند و بسیار ناراحتند از این که تاثیر این عوامل مانع تربیت مطلوب فرزنندان آن ها می شود؛ نیاز به یک راهکارو برنامه ی تربیتی کارآمد و مفید بیش از پیش احساس می شود برنامه ای که تمام جوانب زندگی آن ها و تمام مسائل را شامل شود و با ثبات و انعطاف پذیری خود ضمن تامین نیازهای روز فرزندان و والدین این امکان را به والدین بدهد که با هماهنگی اجتماع و نهادهای تربیتی فرزندان خود را آن گونه که می خواهند و به صلاح فرزندانشان است تربیت کنند.

بدون تردید این برنامه ی منظم و مدون که با گذشت قرن ها علاوه بر آن که تازگی خود را از دست نداده است ، بلکه با پیشرفت علوم تربیتی و روان شناسی مصادیق فراوانی از آن تائید شده است ؛همان برنامه ی تربیت اسلامی است که به وفور و به شکل پنهان و آشکار در آیات قرآن کریم و احادیث آمده است ولی متاسفانه امروزه در قالب کلمات ، عبارات وجملات دیگر همان برنامه ها و دستورات به خورد خود ما داده می شود ؛ چون یافته های جدید علوم نیز آن ها را به خوبی تایید می کنند.

دراین مقاله نیز سعی شده به صورت بسیار مختصر به مراحل تربیت و عوامل موثر بر آن بر اساس آیات روایات پرداخته شود که تاکید زیاد آن ها نیز به تربیت غیر تعمدی وپنهان (که از طریق عمل اتفاق می افتد نه از طریق حرف زدن و نصیحت کردن ) ،رعایت تناسب میان توانایی های فرد مقابل با موارد تربیتی وآموزشی ، تعامل ورابطه ی عاطی عمیق ،همکاری و تعاون ، احترام متقابل وتشویق است.

**تعریف ، اهداف ،اهمیت**

تربیت یک فرایند مستمروپیوسته است به منظورتزکیه وتهذیب فردیاافرادمقابل،آموزش آنهاوپرورش استعدادهای آنهابرای رسیدن به هدف کمال نهایی که این کمل در جهانبینی ومکتب ماهمان **قرب الهی** می باشد.

هدفی که دربالاذکرشد یک هدف نهایی غایی است حال آن که عاملان تربیت هرکدام اهدف موردنظرخودرادنبال می کنندکه متناسب باعلایق ونگرش های آنهامتفاوت است وکارهای آنهاممکن است به منظور: تربیت پاک کودکان،مفیدواقع شدن آنهابرای جامعه،خیردنیاوآخرت خودوآنهاصورت گیرد.

اهمیت فرزند : فرزند موجب تعادل بهتر درخانواده، نزدیکی اعضا به یکدیگر، گرمی کانون خانواده،استحکام وبقای نهاد خانواده وکارو تلاش بیشتراعضای خانواده می شود.

اهمیت تربیت : کودک بعد از تولد مانند موم نرمی است که می توان آ ن را به هرشکلی درآورد یعنی هم می توان او را طوری تربیت کرد که به خلیفه الله درروی زمین تبدیل شود وهم می توا ن بوسیله ی تربیت بد او را پست تر از حیوان بارآورد.

بنابراین تربیت یک مقوله یبسیار مهم است بطوری هیچ کسی منکر اهمیت آن نیست و نمی تواند باشد و وجود آن برای جامعه پذیری وتحقق سایر اهداف آدمی لازم است.

**انواع تربیت:**

از دودیدگاه قابل بررسی است:

الف) تعمدی: تربیت ازاین دیدگاه بر دو نوع است:

1) تربیت عمدی: فرد یا افراد تربیت کننده شیوه ی خاصی ازتربیت را درباره ی فردی اعمال می کنند وبرای تربیت خود طرح و برنامه ای دارند به عنوان مثال مادر دست کودک را گرفته و به او راه رفتن را می آموزد.

2) تربیت غیرعمدی: این نوع تربیت بدون اراده،طرح وبرنامه ی قبلی صورت می گیرد یعنی کودک همه ی کارهای بزرگترها،دوستان و...را می بیند و از آنها تقلید می کند به عنوان مثال : کودک نزاع و درگیری را می بیند و ÷رخاشگری را یادمی گیرد.

ب) اخلاقی و رفتاری: تربیت از این دیدگاه نیز بر دو نوع است:

1) تربیت جنسی: در این نوع تربیت درباره ی غریزه ی جنسی دو دیدگاه مطرح می شود:

الف) غریزه ی جنسی مربوط به دوران بلوغ بوده و از این دوران شروع می شود.

ب)این غریزه از ابتدا درنهاد کودک است وبا توجه به شرایط محیط زندگی کودک ممکن است دیر یا زود خود را نشان دهد که مصداق آن انحرافات جنسی نوجوانان نا بالغ است .

درمیان نظریه های افراطی وتفریطی درباره ی این میل اسلام یک نظریه ی متعادل و منطقی را پیشنهاد می کند واین میل را یک میل مقد س می داند ومعتقد است که این میل ضامن حفظ نسل و بقا است وازاین رو باید در مسیر خود هدایت شود که دراین باره دستورات زیادی داده وبخصوص نقش پدر و مادر را دراین مورد بسیار مهم می داند.

2) تربیت مذهبی: همه ی کودکان زمان تولد پاک ومعصومند وخوب وبد را از پدر ومادر یاد می گیرند.

نقش پدرومادر در تربیت مذهبی کودکان:1- خود به اصول و ارزش های دین و هر چیزی که به کودک می گویند باشند. 2- تاکید بر ادب ، نزاکت، نرم زبانی و عدم

افراط وتفریط در تمام زمینه ها. 3- متضاد نساختن محیط خانواده با محیط مدرسه و هماهنگی با کارکنان مدارس. 4-وادار به انجام کاری نکردن و آموزش کارهای مورد علاقه ی کودک آن هم به روش غیرمستقیم و با عمل خود به کارهای مورد نظرکه این مورد درمورد تمام نهادهای تربیتی صدق می کند وچنانچه دراین موارد تناقضی باشد کودک بدلیل میل راحت طلبی ولذت جویی به احتمال فراوان ازمسیر تربیت درست منحرف خواهد شد.

**مراحل تربیت:**

**از سه دیدگاه قابل بررسی است که در همه ی آن ها براساس نیازهای جسمی ، روحی ، عاطفی ، اجتماعی و...به دوره های مختلفی تقسیم می شود. که این سه دیدگاه عبارتند از:**

**الف- در این دیدگاه تربیت به مراحل زیر تقسیم می شود:**

1- دوران جنینی و کودکی : تا یازده سالگی

2- دوران نوجوانی :11-17 سالگی

3- جوانی : 25-18 سالگی

4- کهولت و پیری

ب- نکته ای که دراین نوع تقسیم بندی نهفته جای خوشحالی وشاید تاسف به همراه دارد وآن این که براساس تقسیم بندی های جدید علوم تربیت و روان شناسی تربیت در سه مرحله ی هفت ساله انجام می گیرد که در مرحله ی نخست کودک آقای خانه بوده و درمراحل دوم وسوم نیزکودک به ترتیب نیاز به راهنمایی وکمک دیگران داشته وهمچنین در کارها از او مشورت و کمک خواسته می شود؛ حال این نظریه را با نظر پیامبر اکرم (ص) مقایسه می کنیم:

درکتاب مکارم اخلاق تربیت ازدیدگاه پیامبر اکرم (ص) به سه مرحله ی زیر تقسیم می شود:

1- دوره ی سیادت و آقایی : دربرگیرنده ی هفت سال نخست زندگی است ودراین دوره کودک آقا وسرور خانواده بوده وباید توجه خاصی به او شود.

دراین دوره به اصول وموارد زیر باید توجه کرد:

الف- والین باید مظهر عمل باشند نه حرف وهیچ تناقضی بین حرف وعمل آن ها وجود نداشته باشد که موید آیه ی مبارکه ی" اتامرون الناس با لبروتنسون انفسکم " که درهمین راستا سعدی به زیبایی می گوید: سعدیا گرچه سخندان ومصالح گویی به عمل کار بر آید به سخندانی نیست.

2- دوره ی بندگی واطاعت : هفت سال دوم زندگی بوده ونیاز به کمک وراهنمایی دارند وباید اصول موارد زیر را رعایت کرد :

الف- عدم تبعیض درخانواده

ب-هماهنگی درتربیت

پ- همکاری با مدرسه

ت- وفای به عهد

خ- گفتار نیک

ح- انتخاب الگو

ج- آزادی

چ- تفریحات سالم

3- دوره ی وزارت : که شامل هفت سال سوم زندگی بوده و والدین باید در این دوره ازآن ها مشورت گرفته وبا نظرخواهی از آن ها درکارها وسایر مسائل زندگی به آن ها ارزش قائل شده واز آن ها کمک گیرند.

پ- دیدگاه سوم مراحل تربیت از نظر دکتر غلامحسین شکوهی بدین ترتیب می باشد:

1-طفولیت : ازتولد تا هجده ماهگی را شامل می شود ویژگی های مهم این دوره عبارتند از:رشد ذهنی و رشد عاطفی.

2- کودکی اول : شامل سال سوم و چهارم زندگی بوده و ویژگی های مرحله ی قبل به اضافه ی تشخص طلبی در این مرحله وجود دارد.

3-کودکی دوم : سال های پنجم و ششم زندگی بوده ودراین مرحله باید تخیل و شخصیت کودک را تربیت کرد.

4- کودکی سوم (دوره ی ابتدایی) : 7تا12سالگی را شامل می شود ؛ دراین مرحله ویژگی هایی مثل: رشدجسمی ، حسی ،عاطفی و... بارزترند؛ وهماهنگی دو نهاد تربیتی خانه ومدرسه ونقش معلم درتربیت اجتناب ناپذیر است.

5- دوره ی نوجوانی(دوره ی راهنمایی) : 12تا16سالگی را شامل شده و این دوره همزمان با شروع بلوغ وانواع انحرافات می باشد بنابراین نوجوان نیازمند راهنمایی وکمک است.

6- دوره ی جوانی : 17تا30 سالگی را شامل شده ودر این دوره شخصیت جوان کاملا شکل می گیرد.

**عوامل موثردرتربیت**

**الف) عوامل انسانی شامل:**

**1)خانواده که خودشامل:**

الف) مادر

ب) پدر

ج) خواهر و برادربزرگتر

2) **معلم وکارکنان مدرسه وشاگردان**

**3)محیط واجتماع که خود شامل:**

الف) معاشران

ب) خویشان و بستگان

پ ) رهبران جامعه

**ب)عوامل غیرانسانی شامل:**

**1) غذا و دارو**

**2)عوامل جغرافیایی ،طبیعی ،شغلی و...**

**1) خانواده:**

**الف- مادر:** اولین آموزگار کودک بوده وکودک اولین کلمات رااز زبان مادر شنیده ویاد می گیرد.

چون کودک نیمی از ژن هایش را از مادر به ارث برده است ؛ زمینه ی تمام صفات مادر در او وجود دارد و مادر می تواند با تربیت درست واقدامات مناسب صفات مورد نظر راشکوفا سازد.

بدین تربیت نقش مادر درچگونگی تربیت فرزندان انکارناپذیر است.

**ب- نقش پدر:**

برای بررسی نقش پدر درتربیت فرزندان اشاره ای به شان پدر در روایات اسلامی می کنیم:

الف- قرآن کریم: آیه ی مبارکه ی " وباالوالدین احسانا..." موید همه چیز است که حتی گفتن" اف " در جواب پدرومادر را جایز نمی دارد واعلام می کند فقط زمانی که فرمان آن ها بر خلاف فرمان خدا باشد از آن ها اطاعت نکنید وحتی در این موقع هم احترام آن ها را نگاه دارید.

ب- حد یث : پیامبر اکرم (ص): کسی که برای خانواده ی خود تلاش می کند مانند کسی است که در راه خدا تلاش می کند .

همچنین داستان پیاده نشدن حضرت یوسف از اسب در مقابل پدر در قرآن و ده ها رویت و حدیث دیگر موضوع فوق را به رو شنی تایید می کنند.

رهبری خانواده و تعیین چهارچوب کلی حرکت خانواده با مشورت گرفتن از آن ها ، به عمل واداشتن کودکان با عمل خود به کارها ، نقش فرهنگی (متناسب با رشد) اقتصادی ، اجتماعی ، رفع نیازها ،

وظایف ونقش های پدر:

تامین امنیت ، وقت گذاری ، صبر و استقامت ، جلب نظر ، مرکز دانایی و اندیشه در خانواده بودن ، تشویق و تایید کودک ، مهر محبت واقعی و ملموس (متناسب با سن و شرایط ) که اشتغال و سایر مشکلات نباید مانع آن شوند ، دوستی و بازی با کودک که فواید زیر را دارد :

1- هماهنگی عضلات و اعضای بدن 2- تمایلات متعادل و عدم پرخاشگری 3- عاملی برای تفکر و خلاقیت 4- آموختن بسیاری از اصول اخلاقی و اجتماعی دربازی که حضرت علی (ع) نیز در این باره می فرمایند: هر کس کودکی در خانه دارد با او بازی کند.

نیمی از مردان بزهکار با پدران خود رابطه ی خوبی نداشته اند (بی توجهی پدران در تربیت ) نقش پدران در تربیت بخصوص در سنین 3تا 6سالگی و بخصوص در پسران خیلی زیاد است چون پسران مرد بودن را از پدر خود یاد می گیرند و زنی متناسب با صفات مادر خود انتخاب می کنند و دختران نیز زن بودن را از مادر خود یاد گرفته و مردی متناسب با پدر خود انتخاب می کنند(همانند سازی)

دکتر سید حسن علم الهدی کار شناس مسائل اجتماعی درباره ی نقش والدین در تربیت فرزندان می گوید: " پدر و مادر در خانواده نقش و جایگاه ویژه ای دارند ؛ بار عاطفی خانواده بر عهده ی مادر و مدیریت خانواده بر عهده ی پدر است ، فرزندان پدر را نماد اقتدار و تکیه گاه خانواده می بینند ، کودکانی که پدر معتاد دارند همواره احساس حقارت می کنند چرا که اقتدار پدر را از دست رفته می بینند و همیشه پدر را از اطرافیان و دوستان خود پنهان می کنند "

پدران در خانه باید قدرت داشته باشند ولی قدرت طلب نباشند و از قدرت خود برای هدایت و آرامش و آسایش اعضای خانواده استفاده کنند و با همکاری اعضای خانواده و نهادهای تربیتی بیرون از خانه مثل مدرسه در تربیت کودک خود هماهنگی های لازم را انجام دهد چون هماهنگی در تربیت موجب تعادل روحی و شخصیتی کودکان می شود.

**ج - نقش برادر و خواهر بزرگتر :**

بدیهی است باتوجه به نزدیکی سنی ، هم زبانی بیشتر کودکان با خواهر و برادران بزرگتر و به دلیل

این که اوقات زیادی را با آن ها سپری می کنند بنا براین بسیاری از صفات آن ها را به راحتی قبول می کنند والدین باید فرزندان بزرگتر را نیز خوب تربیت کرده و بین فرزندان خود تبعیض قائل نشده و موجب بروز حسادت و پرخاشگری بین آن ها نگردند.

2 – نقش مدرسه : مدرسه به عنوان خانه ی دوم شاگردان بوده و گاهی اوقات تاثیر آن از خانه بیشتر

است ، که دراین میان نقش معلم و تاثیر او از همه ی کارکنان مدرسه بیشتر است بطوری که بارها شنيده مى شود كه مى گويند: معلم كسى است كه معلم زاده شده باشد.  
ايـن جمله قابل بحث و پژوهش است , زيرا درست مثل اين است كه گفته شود , مهندس يا پزشك كـسـى اسـت كـه مـهـندس يا پزشك زاده شده باشد,در حالى كه مى دانيم هيچ كس روزى كه از مادرزاده شده است ، مهندس يا پزشك نبوده ، بلكه پس از سالها تحصيل و كوشش پى گير، شايسته احرازعنوان مهندس يا پزشك شده است .  
دسته اى از روان شناسان معتقدند كه همه چيز آدمى معلول وراثت است .

طبق اين نظر, گفتار سابق قابل تصديق است ، ولى در برابر اين نظر، دسته اى هم همه چيز آدمى را مـعـلـول عـوامل محيطى ((98))

با توجه به اين كه اجتماع ، همواره رو به تكامل مى رود و مقتضيات محيط اجتماعى هر نسلى از نسل پـيـشـيـن پـيـچـيـده تـر مى گردد، روشن مى شود كه وظيفه معلم ، چقدر سنگين است ، چه در اين صورت موظف است تنها به ياد دادن مشتى فرمول خشك و يا قاعده و دستورقناعت نكند و هم ش ايـن نـباشد كه شاگرد، مانند دستگاه ضبط صوت مطالب را گرفته و ضبط نمايد و در جلسه امـتـحـان آنها را طوطى وار تحويل دهد، چنان كه متاسفانه دربسيارى از معلمان ، هنوز اين رسم كهنه مشاهده مى شود.  
جـان ديـوئى ((100))

معلم بايد احساس مسئوليت كند و بداند كه سرنوشت افرادى كه به زودى وارد جامعه خواهند شد، بـه دسـت اوسـپـرده شده است و بايد تا آن جا كه ممكن است ، آنها را براى اين زندگى آماده كند و بـكـوشد تا براى جامعه ، انسان واقعى بسازد، نه گرگان و درنده خويان آدم نمايى كه به هيچ وجه نـشـودآنـهـا را انـسـان نـاميد و در حالى كه ظاهرى آراسته و جالب توجه دارند باطنى مخوف و وحـشـتناك داشته ، منافق و رياكار، مردم فريب و نيرنگ باز ، دروغگو و دزد، غارتگر و هتاك ، خيره سر و نابكار وبباشند.  
معلم بايد مانند سربازى فداكار، در راه خدمت به انسانها ـانسان هايى كه به كمك تربيت به اوج ترقى و

تعالى مى رسند و بر اثر غفلت و بى توجهى درحضيض پستى و نابخردى سقوط مى كنند بكوشد و با از خود گذشتگى از اين رهگذر، طرفى ببندد.  
معلم بايد مانند يك پزشك ، نبض يكايك نوآموزان را در دست داشته باشد و در راه ريشه كن ساختن صـفات زشت آنها كه از هربيمارى ،خطرناك تر و وحشتناك تر است از جان و دل بكوشد و صفات

عالى انسانى را در نهادشان پرورش داده ، شاگردان را به گوهر هنر و فضيلت بيارايد.  
مـعـلـم ، زمامدار مستبد،خود سر و مطلق العنان كلاس نيست ، تا نوآموزان كوركورانه از او پيروى

كنند، بلكه پدرى مهربان و دلسوز و پيشوايى روحانى و عالى قدر است كه حس احترام نوآموزان را بـه خـود جـلـب مـى نـمايد و با احترام متقابل و راهنمايى هاى عاقلانه و عالمانه ، آنها را به شاهراه سعادت رسانيده ، از پرتگاه سقوط و انحراف حفظ مى كند.  
سرمشق عملى :  
بـديـهـى اسـت كه اگر معلم بخواهد تمام وظايف خطير خود را به شاگردان از راه خطابه و پند و انـدرزعملى كند و از اين راه ، دور نماى آينده اى روشن و اميدبخش را در برابر چشمان آنها نمايان سازد شايد كمتر بتواند به نتيجه رسيده ، موفقيتى كسب كند.  
معلم بايد سمبل فضيلت باشد و شاگردان به حد كافى به او ايمان داشته ، معتقد باشند كه او مظهر صـفـات پسنديده و عالى انسانى است و از هرگونه بى نظمى و عيب اخلاقى منزه است و هر پند و انـدرزى كـه بـه آنـهـا مى دهد، در درجه اول خودش به آن عمل مى كندو واعظ غير متعظ و عالم بى عمل نيست .  
مـعـلـم اگـر حـايز چنين شرايطى باشد، شاگردان به او تاسى جسته مى كوشند از كارهاى نيك واخلاق پسنديده و خداپسندانه او پيروى كنند و نسخه وجود خود را برابر با اصل وجود او گردانند.  
نكته اساسى :  
نكته اى كه تاكنون به آن اشاره نشده است و علماى تعليم و تربيت از آن غفلت دارند، موضوع ايمان است .  
**3- محیط و اجتماع :**

الف – معاشران: بدیهی است در مواقعی که خانواده ها توجه کمتری به کودکان خود داشته باشند ، آن ها جذب محیط شده وبرای خود معاشرانی برگزیده و از آن ها الگو می گیرند.

در موری مثل : 1- کوچ کردن خانواده 2- مرز نوجوانی بلوغ 3- آشفتگی ودرگیری درخانواده تاثیر معاشران و محیط بر روی فرزندان بیشتر از خانواده می شود.

ب- خویشان وبستگان : با توجه به این کودک معاشرت زیادی با خویشان خود داشته و اوقات زیادی را با آن ها می گذراند بدیهی است که براحتی از آن ها الگو می گیرد.

پ- رهبران اجتماع : این افراد با توجه به خایگاهی که دارند ، برای کودکان الگو محسوب می شوند.

**ب - عوامل غیر انسانی :**

به عواملی مثل : غذا ، دارو ، عوامل جغرافیایی ، طبیعی ، شغلی و ... گفته می شود که درنحوه ی

تربیت کودکان موثرند ؛ به عنوان مثال تربیت کسی که در شمال ایران زندگی می کند با کسی که در نواحی بیابانی زندگی می کند ، وتربیت کسی که شغل همه ی افراد خانواده ی او معلمی است با کسی که پدر و مادری معتاد دارند بسیار متفاوت خواهد وبود .

**روش های عملی درتربیت:**

**1) معرفی وانتخاب الگو(از روش های قرآنی):** که تاکیددارد باید الگوهای مناسب و پسندیده ای انتخاب کرده وآن ها را به کودکان معرفی کرده وآن ها را وادار به تفکر درباره ی آن الگو بکنیم تا با تفکر و اختیار خود آن را انتخاب کند

**2) قصه گویی:** دراین روش نیز می توان قصه هایی از زندگی ائمه ، بزرگان و گذشتگان برای کودک بیان کرده و او را وادار به تفکر درباره ی زندگی گذشتگان وپندها و عبرت های آن ها بکنیم.

**3)بزرگداشت کودک:** باید همواره کودک را بزرگ داشته و با احترام با او برخورد کنیم تا احساس امنیت ، راحتی ، بزرگی ، شخصیت و اعتماد بنفس دراو تقویت شود

**4) انتخاب درست دوست:** باید ویژگی های یک دوست خوب را به کودک خود با دلایل محکم و قانع کننده بیان کرده و او را در انتخاب دوست خوب و خیرخواه یاری کنیم

**5) پذیرفتن عذرخواهی کودک:** باید در مواردی که دیدیم کودک از کار ناپسند خود پشیمان شده و معذرت خوهی می کند ، عذرخواهی او را بپذیریم وپرخاشگری نکنیم چون با این کار خود ، این صفت نا پسند را به او یاد می دهیم .

**نقش تنبیه وتشویق درتربیت:**

کارشناسان معتقدند برای رشد ذهنی و عاطفی کودک پاداش وتنبیه لازم است ؛اما چگونگی ، چه موقعی و مقدار آن مهم است که باید به جا باشند

تنبیه بدنی کم اثرترین و بدترین نوع تنبیه است چون که مسئو لیت را از دوش کودک بر می دارد در تنبیه کردن باید به این نکته ی مهم توجه داشته باشیم که خود کودک را تنبیه نکنیم بلکه عمل نا درست و ناپسند او را تنبیه کنیم.

تنبیه و تشویق به سن ، درک و جنس کودک و نوع عمل او بستگی دارد درجاتی دارند مثلا درتشویق از دل جویی کردن گفتن یک حرف تحسین آمیز گرفته تا دادن یک هدیه ی گران قیمت و بزرگ نکات

مهم دیگری که در تشویق کردن وجود دارد این است که تشویق کردن موجب احیای شخصیت کودک ، کاهش یاس و بد بینی افزایش اعتماد بنفس می شود وهمچنن تشویق کردن پاسخی به نیاز طبیعی کودک بوده و ایجاد فرصت می کند.

**منابع وماخذ:**

1- قائمی امیری ، دکتر علی ، تربیت و باز سازی کودکان ، قم : مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم .

2- امور پرورشی ، آموزش و پرورش دماوند ، تربیت و عوامل تربیتی کودکان

3- رشیدپور ، مجید ، تربیت کودک از نظر اسلام ، تهران : واحد انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران .

4- شکوهی ، دکتر غلامحسین ، تعلیم و تربیت و مراحل آن ، مشهد: موسسه ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی ، چاپ هفتم (دی ماه 1367).

5- خبرگزاری مهر ، خانواده ها و آموزش وپرورش مهم ترین نقش را در تربیت دینی دارند /.... http://...

6- بیگم موسویان ، فاطمه ، نقش پدر در تربیت فرزند ، http://.... (28/10/1385)

7- هاشمی ، هدی ، خانواده IRAN NEWS PAPER http://www.iraninstiute.com/1385/10/28/html/khanvade.htm